

(ادبیات خارجی)

شرح حال الفرد موسه

یکی از قطعات «اشعار جدید» الفرد موسه قطعه «امیدبخدا (۱)» میباشد که در ۱۸۳۸ برشته نظم کشیده است

موسه در این قطعه مانند کسی است که از بحث در مسائل فلسفی و قضایای منطقی خسته شده باشد میخواهد بدون واسطه فلسفه و منطق و برهان با کمال ساده گی باخدای خود گفتگو کند شاید تواند از این راه پرده از رخسار شاهد حقیقت برگیرد و اندکی دل سودائی خود را تسکین دهد اگر اشعار فلسفی موسه را با اشعار فلسفی «ولتر» و «لامارتین» و «اندره شنیه» مقایسه کنیم می بینیم اشعار موسه با وجود اینکه با فلسفه آمیخته شده است و باید قاعده خشک و مبهم باشد ولی برعکس بسیار ساده «و شاعرانه» است

موسه در مکالمه با خدا هم بدون هیچ ملاحظه و بیم و هراس فریاد میکشد و علت حقیقی خلقت اینهمه موجودات متناقض و متفاوت و اشیاء متباعد و مختلف را میپرسد

موسه میخواهد فلسفه ساده خلقت را بداند برای دانستن این مطلب اصرار و ابرام میکند جنگ و گریز مینماید ولی چون جوابی نمیشنود و مسئولش اجابت نمیگردد خسته شده سر بیجیب تفکر فرو میبرد و همینکه در میابد که با خالق و رازق مهربان خود سرگرم گفتگو بوده لحن مکالمه را تغییر میدهد شرایط ادب را رعایت میکند این جاست که با کمال خضوع و خشوع و مهربانی و آرامی است دعا و استرحام دارد که حقیقت مسئله همانطور که هست برای او کشف شود

(۱) Lespoir en Dieu

محض نشان دادن افکار فلسفی شاعر يك قسمت بسیار کم از این قطعه را ترجمه میکنیم از همین قسمت میتوان بروشنی و بسادگی و استحکام افکار و اشعار الفرد دموسه پی برد

« امید بخدا »

ای موجودی که نه کسی توانسته است تورا بشناسد و نه اینکه صادقانه وجود تو را انکار کند !

ای کسی که دیروز مرا بدنیا آوردی و فردا از دنیا خواهی برد
بمن بگو :

اگر تو میخواهی شناخته شوی پس چرا از بود خویش بشر را بشک و تردید
میاندازی ؟ از اینکه عقیده و ایمان پاک ما را مشکوک و محجوب کنی چه لذت
نیکوئی میبری ؟

هنگامیکه بشر سر خود را بطرف بالا بلند میکند تورا در آسمانها می بیند و زمانی که
سر بچیب تفکر فرو میاورد تو رادر خود می یابد پس اگر رنج میبرد ! گریه میکند !
کسی را دوست دارد ! خدای اوست که او را بانحال میخواهد
بهر ناهی که ترا بخوانند « براهما » ژوپیتر، عیسی، حقیقت، هدایت دائمی. همه
دستها بسوی تو دراز است

پست ترین فرزندان خاک هنگامی که در تاریکی بدبختی خود نور ضعیف خوشبختی
مشاهده کنند از صمیم قلب تورا شکر میکنند .

همه گیتی بتو افتخار میکنند : پر نده در لانه خود تورا میخواهند و برای
يك قطره باران موجود بسیاری تورا تقدیس مینمایند

تو کاری نکرده ای که شایان تجسین نباشد نزد ما هیچ يك از نهای تو گم
نشده است .
بقیه در آتیه .